

رویکرد قدرت‌های بزرگ به جنبش جنگل

(مجموعه مقالات)

www.ketab.ir

دکتر عباس پناهی
(عضو هیات علمی دانشگاه گیلان)





رویکرد قدرت‌های بزرگ به جنبش جنگل

دکتر عباس پناهی

مشاور گرافیک: رزیتا صفری صدیق

طراح جلد: سودابه بی‌خسته

صفحه‌آرا: مهیار پرجلم

چاپ نخست: ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

انتشار: سپیدرود

تلفن: ۰۹۱۱۳۳۸۳۱۶۱

سرشناسه: پناهی، عباس، ۱۳۵۴ -

عنوان و پدیدآور: رویکرد قدرت‌های بزرگ به جنبش جنگل (مجموعه

مقالات) / پژوهش عباس پناهی؛ آبه ستایش / حوزه هنری استان گیلان

مشخصات نشر: رشت، سپیدرود، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۳۵ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۵۹-۷۱-۷

موضوع: میرزا کوچک خان، یونس بن میرزا بزرگ، ۱۲۹۸-۱۳۴۰ق.

موضوع: ایران - تاریخ - فاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق. - جنبش‌ها و قیام‌ها

شناسه افزوده: حوزه هنری گیلان

رده‌بندی کنگره: DSR1۴۷۱

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۵۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۰۳۱۴



فهرست

۷.....	یادداشت حوزه هنری گیلان
۹.....	مقدمه
۱۷.....	کوچک خان و نقش وی در شکل گیری جنبش جنگل در گیلان و نالش
۳۵.....	تاریخ نگاری مآخذ تاریخی جنبش جنگل
۵۱.....	تحلیل رویکردهای یقینان در کتاب «یادداشت های یک شاهد عینی»
۷۹.....	نقش پیدا و پنهان گانوک در سال های پایانی جنبش جنگل
۸۷.....	تحلیل کارکرد عثمانی و هیأت اتحاد اسلام
۱۱۵.....	بررسی و تحلیل اقدامات سیاسی و نظامی بریتانیا
۱۴۵.....	تحلیل جایگاه جنبش جنگل در سیاست های دولت های بزرگ
۱۷۱.....	بررسی رویکردهای سیاسی و فکری براوین به ایران و جنبش جنگل
۱۹۷.....	نقش سیاست های شوروی در سال های پایانی جنبش جنگل
۲۲۳.....	نمایه

مقدمه

جنبش جنگل در سرزمینی به وقوع پیوست که ریشه‌های مبارزه دهقانی و انقلابی از میانه عصر صفویه تا پایان دوران حکومت قاجاریه، به عنوان یکی از شاخصه‌های سیاسی و اجتماعی این پهنه به شمار می‌رفت. ثروت این سرزمین، موجب طمع حکومت‌های مرکزی ایران و فشار بر روستاییان، به منظور بهره‌وری بیشتر از نیروی کار و دسترسی به منابع غنی آن می‌شد؛ از این رو، تحولات سیاسی و اجتماعی گیلان در سه سده اخیر با مفاهیم جنبش‌های دهقانی، نظام زمین‌داری، دهقانان، مالکان و مباشران گره خورده است.

در کنار برخورد حکومت ایران با گیلان، در دهه‌های نخست حکومت قاجارها بر ایران، حریف دیگری نیز وارد میدان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گیلان شد؛ این حریف، روسیه بود. روس‌های تزاری در تمام دوره حکومت قاجار تا وقوع انقلاب بلشویکی در آن کشور، اربابان بی‌رقیب گیلان به شمار می‌رفتند؛ به گونه‌ای که حکام گیلان برای انجام هر دستوری پیش از کسب تکلیف از حکومت مرکزی، از کنسول روسیه در رشت اجازه می‌گرفتند. این نگاه و فشار روسیه بر سرزمین گیلان، یکی از مهم‌ترین دلایل پراشته شدن رویدادهای مشروطیت در گیلان بود و بعدها نیز انقلابیونی نظیر میرزا کوچک خان، یکی

از هدف‌های اساسی خود را در افروختن نخستین شعله آتش جنبش جنگل، اخراج بیگانگان، به‌ویژه روس‌ها از گیلان قرار دادند.

اندیشه شکل‌گیری جنبش ضد اشغال در برابر روس‌ها پیش از آنکه در گیلان ایجاد شود، نتیجه هم‌فکری کوچک‌خان با برخی از شخصیت‌های ملی و دمکرات در تهران در اعتراض به حضور بیگانگان در جغرافیای سیاسی ایران بود. جنگلی‌ها از شروع مبارزه‌شان در تابستان ۱۲۹۴ تا بهمن ۱۲۹۶ خورشیدی که نظامیان روسی از ایران خارج شدند، با خان‌های محلی درگیر بودند. طی این زمان، آن‌ها توانستند قلمرو خود را به مناطق شرقی گیلان و مناطق غربی آن - تالش - و حتی خلخال نیز گسترش دهند. از بهمن‌ماه ۱۲۹۶ خورشیدی، روس‌ها به جهت وقوع انقلاب بلشویکی، تصمیم به خروج از گیلان گرفتند. خروج نیروهای روسی از گیلان، موجب ترس و واکنش انگلیسی‌ها شد؛ در نتیجه، انگلیسی‌ها تلاش کردند با استفاده از دولتمردان ایرانی نظیر تیمورتاش، جنبش جنگل را سرکوب کنند. در دوره حکومت تیمورتاش در گیلان، فشار زیادی بر جنبش جنگل وارد شد. تیمورتاش با استفاده از حربه‌های سیاسی و نیرنگ توانست حاج احمد کسمایی و دکتر حشمت را از میرزا جدا نماید و با این اقدام، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر میرزا و جنبش وارد کند. این اقدام تیمورتاش، آغاز فروپاشی جنبش جنگل بود.

تیمورتاش پس از این اقدام و همچنین با توجه به فعالیت شدید بلشویک‌ها در گیلان، تلاش کرد با عنوان‌های مختلف، جنبش جنگل را وابسته به جریان بلشویکی نشان دهد و از سویی بر ترس مردم از تداوم جنبش جنگل و افزایش ناامنی در گیلان دامن زند.

هم‌زمان با این اقدامات تیمورتاش و فروپاشی مقدماتی جنبش جنگل، بلشویک‌ها در تعقیب روس‌های سفید در اردیبهشت ۱۲۹۹ خورشیدی وارد انزلی شدند و پذیرایی برخی از شخصیت‌های فرصت‌طلب جنبش جنگل نظیر

احسان‌الله‌خان، موجب رونق کار آن‌ها در انزلی شد. بدین ترتیب، شاخه‌ای از جنبش جنگل توسط احسان‌الله‌خان و خالو قربان، جمهوری جنگل را اعلان کردند. ادامه تضادهای ایدئولوژیک بین کوچک‌خان و سران بلشویکی و همچنین حمایت‌هایی که نیروهای بلشویکی از جریان انشعابی کرده بودند، موجب شد بلشویک‌های ایرانی طی کودتایی در نهم مرداد ۱۲۹۹ خ. کوچک‌خان و جناح راست جنبش را از رشت برانند.

تاریخ جنبش جنگل از این زمان تا خاموشی آن، داستانی تراژیک از دست‌به‌دست شدن قدرت و نزاع‌های بی‌پایان بین فرصت‌طلبانی نظیر خالو قربان، احسان‌الله‌خان و طرفداران آنها با کوچک‌خان است. در این درگیری‌های بی‌پایان، چشم‌امیدی برای بهبودی اوضاع اجتماعی و اقتصادی دیده نمی‌شد و در این میان، اوضاع مردم روزبه‌روز ناگوارتر از گذشته می‌شد؛ در نتیجه، مردم عادی، کشاورزان، پیشه‌وران و تجار از جنگلی‌ها رویگردان شدند. بازتاب این ناراضی‌ها در اسناد و یادداشت‌های اعتراضی مردم گیلان که به دوایر دولتی و مجلس نگاشته شده است، به خوبی دیده می‌شود. فرجام جنگلی‌ها در نتیجه همگرایی قدرت‌های بزرگ، به ویژه رویگردانی بلشویک‌ها از جنگلی‌ها و مشت آهنین قزاق‌ها رقم خورد. بخت نیز با کوچک‌خان یار بود؛ پیش از اینکه به دست هم‌قطاران خود و یا قزاق‌های ایرانی کشته شود، در آغوش طبیعت و سرما جان سپرد.

چنان‌که پیداست، جنبش جنگل در تاریخ هفت‌ساله خود (۱۳۰۰-۱۲۹۴ خ.)، به جهت رویدادهای سیاسی داخلی و خارجی، مراحل پراکنده‌ای را از سر گذراند؛ زیرا جنگلی‌ها نخست در دو جبهه علیه حاکمان محلی و روسیه تزاری می‌جنگیدند، اما پس از وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه و خروج روس‌های تزاری، شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی، باعث پیدا شدن رد پای انگلستان و بلشویک‌ها در فضای سیاسی ایران و گیلان شد. از سوی دیگر، ورود چهره‌های

فرصت طلب به جنبش و اندیشه‌های متعدد و متناقض با بنیان‌گذاران جنبش و هیأت اتحاد اسلام و سازش با برخی از جریان‌ها و شخصیت‌ها، موجب چندپارگی جنبش از ۱۲۹۸ خ. تا فروغ آن شد. در نهایت، بلشویک‌ها با ایجاد نفاق در جنبش و همچنین سازش با دولت مرکزی ایران و دولت انگلستان، ضربه نهایی را بر پیکر جنبش وارد کردند و واقعه «ملاسرا»، مهر پایانی بر حیات سیاسی جنبش جنگل بود. از این زمان تا پایان زندگانی میرزا، جنبش جنگل دوران پراکندگی را از سر گذراند.

هم‌زمانی جنبش جنگل با رویدادهای بزرگ بین‌المللی، باعث ورود شخصیت‌های خارجی و دولت‌های بیگانه در این جریان سیاسی شد. به قول مولوی: «هرکسی از طن خود شد یار من». این شخصیت‌ها و دولت‌ها هرچند نتوانستند رهبری جنبش را به طور کامل تحت تأثیر القانات خود قرار دهند، بر فراز و فرودهای جنبش تأثیر زیادی نهادند؛ به گونه‌ای که گروه‌های طرفدار آلمان و عثمانی بر دوره نخست جنبش از تأسیس تا پایان ۱۲۹۷ خ. و بلشویک‌ها از اردیبهشت ۱۲۹۸ خ. تا پایان عمر جنبش، بر تحولات و رویکردهای جنبش تأثیرگذار شدند. انگلیسی‌ها در دوره تزارها نسبت به جنبش بی‌تفاوت بودند، اما با وقوع انقلاب بلشویکی، جنبش را بسان پلی برای ورود شوروی به ایران می‌دانستند. در نتیجه، انگلیسی‌ها طی چند سال پایانی جنبش با استفاده از شخصیت‌های ایرانی و غیرایرانی وفادار به خود، نقش مؤثری بر تضعیف و سقوط جنبش داشته‌اند. برخی از کشورهای اروپایی و یا همسایه ایران به دلیل منافع سیاسی‌ای که در ایران و قفقاز داشتند، به طور مستقیم بر جنبش تأثیرگذار بودند، اما برخی دیگر از کشورها نظیر فرانسه و آمریکا نیز تنها نظاره‌گر این جریان بودند؛ این مسأله نشان می‌دهد جنبش جنگل به جهت اهمیتی که در آن دوران در عرصه دیپلماسی جهانی یافته بود، از نظر تحولات سیاسی و حتی وقایع پایانی آن برای بیشتر این کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.